

۱. طرح مسأله

لازم نیست ادبیات تحلیلگران سیاسی درباره اندیشه اصلاح طلبی و بویژه نوع مشارکت اصلاح طلبان در مدیریت سیاسی و قدرت را مرور کنیم تا آگاه شویم که برخی اساساً مدعی عدم لزوم مشارکت اصلاح طلبیان در قدرت هستند. از موضع این گروه اصلاحات باید در بدنه اجتماعی و در سطوح پایین پیگیری شود و خواست اصلاح از درون جامعه نشأت بگیرد. این نوشتار فرصتی برای طرح آرای حامیان این رای و استدلال‌های پشتیبان این باور نیست، بلکه نوشته حاضر تنها در پی ارائه شواهدی است که نشان می‌دهند اصرار بر دنبال کردن اصلاح طلبی از درون لایه‌های زیرین اجتماعی، دعوی دیر هنگامی است و این خواست در درون جامعه ایرانی شکل گرفته و اکنون زمان آن رسیده که خواست‌های اصلاح طلبانه از موضع مدیریت سیاسی دنبال شوند.

گروهی دیگر، از جمله بسیاری از اصلاح طلبان حامی مشارکت در قدرت، این روزها از موضع سهیم شدن در قدرت برای اصلاح وضع پیش آمده سخن می‌گویند. این مواضع چنان بیان می‌شوند، گویی اگر وضع به این صورت نبود و اوضاع اقتصادی مناسب‌تر، اجماع جهانی علیه ایران ضعیف‌تر، احترام به مواضع کارشناسی بیشتر و شیوه مدیریت اقتصاد بهتر بود، ضرورتی برای مشارکت در قدرت وجود نداشت. باز هم خیلی خلاصه در این نوشتار شواهدی ارائه می‌کنیم که نشان می‌دهند خواست تاریخی اصلاح طلبی در ایران به وضعیتی رسیده است که مسأله اصلاحات را به چیزی فراتر از خواست بهبود اوضاع اقتصادی و بازگرداندن تدبیر کارشناسانه کشانیده است.

۲. نخبگان و فرهنگ سیاسی مردم ایران

ایرانیان همواره در چند دهه گذشته به داشتن فرهنگ سیاسی غیردموکراتیک متهم شده‌اند. فرهنگ سیاسی، همه جهت‌گیری‌های ذهنی افراد نسبت به عناصر ضروری موجود در نظام سیاسی یا توزیع کلی جهت‌گیری‌های شهروندان نسبت به موضوعات سیاسی را شامل می‌شود. فرهنگ سیاسی در کل، جهت‌گیری ذهنی مردم نسبت به سازمان‌ها، شخصیت‌ها، رخدادها، نمادها و فعالیت‌های سیاسی را نشان می‌دهد. طبق تعریف دائرةالمعارف علوم اجتماعی آمریکا، فرهنگ سیاسی مجموعه‌ای از نگرش‌ها، عقاید و احساسات است که به فرآیند سیاسی نظم و معنا می‌دهد... ایده‌آل‌های سیاسی و هنجارهای عملکرد حکومت را در بر می‌گیرد... در حوادث عمومی و تجربه خصوصی افراد ریشه دارد. بنابراین وقتی گفته می‌شود مردم ایران فرهنگ سیاسی غیردموکراتیک دارند، به این معناست که مردم ایران الگوهای ذهنی، نگرش‌های سیاسی و تفکرآسی درباره مطلوب‌های سیاسی دارند که با دموکراسی‌خواهی قرابتی ندارد. محمود سریع‌القلم در یکی از این نوع نوشته‌ها مدعی شده است:

"توسعه‌یافتگی چه به معنای اقتصادی و چه به مفهوم سیاسی آن، مستلزم فعالیت‌های رقابتی است. فرهنگ سیاسی انباشته شده ایرانی که مبتنی بر بی‌اعتمادی، ابهام در بیان، قاعده‌گریزی، رفتارهای غریزی، احساسات مفرط، فردگرایی منفی، واقعیت‌گریزی و روش حذف و تخریب در حل اختلاف‌هاست موانعی جدی و بنیادی پیش روی رقابت جمعی و عقلایی که دشوارترین آن در حوزه سیاست است قرار می‌دهد" (سریع‌القلم، ۱۳۸۶، ص ۷).

سریع‌القلم بر این باور است که از دوران صفویه به بعد، این فرهنگ سیاسی در ایران انباشته شده و تناقضاتی جدی برای توسعه‌یافتگی ایران ایجاد کرده است. این گفته وی، ادامه سایر اوصافی است که برای فرهنگ سیاسی مردم ایران برشمرده می‌شود. باور به قهرمان‌گونه بودن حاکمان، تسلیم‌پذیر بودن در برابر قدرت، میل به نظریه توطئه، میل به خشونت، حقیر شمردن سیاست و سیاستمداران، فقدان تساهل و مدارا، قانون‌گریزی، تمرکزگرایی، شرارت و قدرت طلبی، فقدان نگاه انتقادی و برخی اوصاف دیگر، از جمله اوصافی است که در متون مختلف برای ایرانیان ذکر شده است.

بررسی درستی یا نادرستی این ادعاها، کار دشواری است اما درستی تحلیل آن‌ها که مشارکت اصلاح طلبانه در قدرت را نفی می‌کنند و خواستار برآمدن اراده اصلاح طلبی از درون جامعه هستند، منوط به تایید وجود خصیصه‌های فوق در فرهنگ سیاسی ایرانیان است. اگر چنین خصیصه‌هایی در جامعه ایرانی وجود داشته باشد، آن‌گاه می‌توان به نحوی مدعی شد تا زمان محو شدن این خصایص فرهنگی، بختی برای پیروزی اصلاح طلبان در قدرت وجود ندارد و در صورت پیروزی، زمینه اجتماعی اندیشه و اراده اصلاح طلبی ضعیف است. پس باید تا زمان پیدایش ویژگی‌های مناسب طرح خواست‌های اصلاح طلبانه، از ورود در قدرت اجتناب کرد و حرکت به سمت اصلاح طلبی را از بیرون ساختار قدرت دنبال نمود.



مردمان اصلاح طلب و خواست تاریخی اصلاح طلبی

محمد فاضلی*

هر چند طرفداران چنین تحلیلی به این سوال پاسخ نمی‌دهند که در کشوری با سیطره همه‌جانبه قدرت سیاسی دولت چه امکان ایجابی خاصی برای دنبال کردن اصلاح طلبی بیرون از ساختار قدرت وجود دارد.

بررسی ساده مشخصات برشمرده شده برای فرهنگ سیاسی ایرانیان، نشان می‌دهد این اوصاف دقیقاً نقطه مقابل عناصر اصلاح طلبی است. تعریف گفتمان اصلاح طلبی ایرانی - حداقل به این دلیل که قرائت‌های بسیاری از آن وجود دارد - کار دشواری است اما می‌توان حداقل‌های مشترکی میان همه این قرائت‌ها پیدا کرد:

۱. اصلاح طلبان ایرانی خواستار اجرای قانون - فراتر از تفسیرهای شخصی و اعمال نظرهای سلیقه‌ای - هستند. حاکمیت قانون و دوری از حاکمیت شخصی یا الیگارشی که خواستی اصلاح طلبانه است.

۲. اصلاح طلبان خواهان تساهل و مدارای بیشتری در عرصه‌های فکری، اجتماعی و سیاسی هستند و تمایل دارند از میزان اعمال خشونت کاسته شود.

۳. اصلاح طلبان خواستار رعایت آزادی‌های مدنی، از جمله رعایت حقوق و آزادی‌های فردی و آزادی بیان هستند.

۴. اصلاح طلبان خواهان رعایت حقوق مخالفان و منتقدان در نقد عملکرد دولت و حاکمیت سیاسی هستند.

۵. اصلاح طلبان خواستار استقرار حاکمیت مردم بر سرنوشت سیاسی خویش را دنبال می‌کنند.

۶. اصلاح طلبان شفافیت در اطلاع رسانی و حق دسترسی مردم به منابع اطلاع رسانی مختلف و آزادی در کسب اطلاعات را مطلوب می‌پندارند. اما اگر بتوان شواهدی برای تضعیف دیدگاه‌هایی که فرهنگ سیاسی ایرانیان را غیردموکراتیک و فاقد تناسب برای دنبال کردن ایده‌های اصلاح طلبانه می‌دانند ارائه کرد، در آن صورت می‌توان با قدرت بیشتری از این ایده که وقت فراتر رفتن از اصلاحات بیرون از قدرت فرا رسیده است دفاع کرد. اگر مردم ایران فاقد انگاره‌های غیردموکراتیک قوی باشند، همچنین اگر به بستر سیاسی ایران توجه داشته باشیم که دولت در آن سیطره‌های همه‌جانبه دارد، آن گاه می‌توان حضور در قدرت را ابزاری برای جاری شدن ایده‌های اصلاح طلبانه مردم تلقی کرد و این ایده‌ها را نیز تقویت نمود. با این

اوصاف، سوال این است که چه شواهدی له یا علیه انگاره‌های منسوب به فرهنگ سیاسی ایرانیان وجود دارد؟

۳. فرهنگ سیاسی مردم ایران

پژوهش‌های انجام شده درباره فرهنگ سیاسی مردم ایران که داعیه‌ای فراتر از تکرار ادعاهای فوق داشته باشند و به نحوی در شناخت تجربی خصایص فرهنگ سیاسی مردم ایران کوشیده باشند، بسیار اندک است. کمیاب‌تر، آرایشی است که از موضع نفی انگاره‌های منسوب به فرهنگ سیاسی مردم ایران وارد شده باشند. به عبارتی، آنچه در پی خواهد آمد و داعیه‌اش نفی قوت فرهنگ سیاسی غیردموکراتیک در فرهنگ سیاسی ایران است خرق عادتسی در میان اندیشه‌های روشنفکری ایران در چند دهه گذشته است. ما در این جا با استناد به نتایج پژوهشی و تجربی درباره فرهنگ سیاسی ایران، در این خصوص که مبنای فرهنگی اصلاح طلبی و توسعه سیاسی در ایران، قوتی بسیار بیش از آنچه تصور می‌شود، داراست استدلال خواهیم کرد. شواهدی که در ادامه به آن‌ها پرداخته می‌شود، برگرفته از پژوهشی پیمایشی با عنوان "فرهنگ سیاسی مردم ایران است که در آبان ۱۳۸۴ انجام شده است. این تحقیق با حجم نمونه ۴۸۷۹ نفر (بعد از حذف پرسشنامه‌های ناقص) در ۹ استان کشور و در مناطق شهری و روستایی انجام شده است. از کل جمعیت نمونه ۳۳۱۱ نفر در مناطق شهری و ۱۵۶۸ نفر در مناطق روستایی زندگی می‌کرده‌اند. پژوهش مذکور از معدود پژوهش‌هایی است که جمعیت شهری و روستایی کشور در آن بررسی شده‌اند و از همین رو می‌تواند

معرف دیدگاه کلی جامعه ایران باشد.

۱.۳. حمایت از آزادی رسانه‌ها

حمایت از آزادی رسانه‌ها، یکی از شاخص‌های اندیشه اصلاح طلبی و آزادی رسانه‌ها از حقوق مدنی دموکراتیک است. برای سنجش دیدگاه مردم ایران درباره آزادی رسانه‌ها، ۴ گویه به شرح زیر در نظر گرفته شده و از مردم خواسته شده نظر خود را درباره آن‌ها بیان کنند.

۱. روزنامه‌ها باید آزاد باشند تا واقعیت‌ها را، هر چه هست، بنویسند و حکومت حق ندارد جلوی آن‌ها را بگیرد؛

۲. هر فرد یا گروهی حق دارد در روزنامه، مجله یا کتاب از حکومت افراد و سازمان‌های وابسته به آن انتقاد کند؛

۳. وجود رادیو و تلویزیون خصوصی در کشور که تحت کنترل دولت نباشد، به نفع همه مردم ایران است؛

۴. حکومت حق ندارد مانع استفاده مردم از رادیو و تلویزیون‌های خارجی یا اینترنت بشود.

جنول ۱ میزان موافقت و مخالفت با ۴ گویه ارائه شده برای سنجش میزان حمایت از آزادی رسانه‌ها در ایران را نشان می‌دهد. آخرین ردیف آخرین ستون از جنول فوق نیز نشان می‌دهد که اگر میزان حمایت از آزادی رسانه‌ها را در مقیاسی از ۰ تا ۱۰۰ قرار دهیم، میانگین نمره نمونه بررسی شده در این شاخص، چند خواهد بود. برآورد داده‌های به دست آمده این است که میزان حمایت ایرانیان از آزادی رسانه‌ها در کل برابر ۶۱ از ۱۰۰ نمره است. در ضمن ردیف‌هایی که در آن‌ها میزان موافقت با گویه‌ها نوشته شده است به خوبی نشانگر میزان حمایت از آزادی رسانه‌ها در ایران هستند. حداقل

گویه ۱	گویه ۲	گویه ۳	گویه ۴	کل
۲/۸	۳/۳	۷/۱	۴/۴	۲/۸
۱۰/۷	۱۴	۲۵/۳	۱۳/۱	۱۲/۲
۱۴/۲	۱۷/۲	۱۸/۴	۱۴/۸	۲۶/۶
۲۸/۳	۳۴/۵	۲۷/۵	۳۴/۱	۴۲/۳
۲۰/۹	۱۵/۱	۷/۱	۱۶/۵	۱۶/۱
۱۲/۲	۱۵/۸	۲۰/۵	۱۷/۱	-
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۶۰/۸۷

▲ جدول ۱. نظرات مردم درباره آزادی رسانه‌ها (بر حسب درصد)

داده‌های آن‌ها در جدول ۳ آمده نشانگر نکات جالب توجهی است. ۶۰/۸ درصد افراد با آزادی مخالفان حکومت در بیان عقایدشان (گویه ۱) موافق هستند؛ موافقان گویه شماره ۳ از مخالفان آن بیشتر است؛ و ۴۵ درصد افراد معتقدند هیچ کس حق ندارد فردی را به دلیل آن که حرفی علیه حکومت زده است، دستگیر و زندانی کند. نکته قابل توجه

برداشت منطقی از داده‌های جدول ۱ آن است که اکثریت مردم ایران بسیار بیش از آن که با انگاره‌های فرهنگی، اقتدارگرایانه، حامی تک‌صلایی و اقتدارگرایی رسانه‌ای باشند، آزادی رسانه‌ها را مرجح می‌دارند.

۲.۳. اقتدارگرایی

سنجش اقتدارگرایی نیز از طریق بررسی واکنش مردم به ۶ گویه صورت گرفته است. نتایج این بررسی در جدول ۲ آمده است. گویه‌های در نظر گرفته شده برای این سنجش عبارتند از:

۱. بهتر است همیشه به حرف‌های مقامات سیاسی گوش کنیم، نه حرف‌های کسانی که از مقامات سیاسی انتقاد می‌کنند؛

۲. باید به بچه‌ها یاد داد همیشه حرف بزرگ‌ترها را بدون چون و چرا گوش کنند؛

۳. باید به دولت اجازه داده شود تا کتاب‌ها، روزنامه‌ها و فیلم‌ها را به صلاح‌دید خودش سانسور کند؛

۴. فقط با زور می‌شود در این جامعه قانون را حاکم کرد؛

۵. برای درست شدن ایران، قانون لازم نیست، بلکه مرد مقتدری لازم است که حرفش قانون باشد؛

۶. اکثریت مردم نمی‌توانند درست تصمیم بگیرند، باید کسی باشد که به جای مردم تصمیم بگیرد و کشور را پیش ببرد.

بررسی دقیق گویه‌های فوق نشان می‌دهد که این گویه‌ها بیان همان ایده‌هایی هستند که اقتدارگرایی ایرانی را بر مبنای باور داشتن به آن‌ها تعریف می‌کنند. اول، پاسخ‌های ارائه شده به گویه‌های ۲، ۳، ۴ و ۶ شاخص مناسبی از اکثریت نداشتن ایده‌های اقتدارگرایانه است.

دوم، نمره میانگین اقتدارگرایی در مقیاس ۰ تا ۱۰۰ برابر ۴۱/۹۳ و به این معناست که نمره تقابل انگاره‌های مردم ایران با اقتدارگرایی ۵۸/۰۷ است و اکثریت جمعیت نمونه بررسی شده را می‌توان در زمره مخالفان اقتدارگرایی قرار داد.

۳.۳. تساهل‌مداری

اندیشه تساهل از محورهای اصلاح‌طلبی است. برای سنجش این خصیصه نیز ۵ گویه در نظر گرفته شده است.

۱. حکومت باید به مخالفانش اجازه دهد عقاید خود را آزادانه برای همه بیان کنند؛

۲. باید به کسانی که به اسلام اعتقاد ندارند هم اجازه داد به راحتی عقاید خود را بیان کنند؛

۳. منتقدان و مخالفان حکومت نیز حق دارند در انتخابات ریاست جمهوری کاندیدا داشته باشند؛

۴. کسانی که به هیچ دینی اعتقاد ندارند، حق دارند در سازمان‌های دولتی استخدام شوند؛

۵. هیچ کس حق ندارد فردی را به دلیل آن که حرفی علیه حکومت زده است، دستگیر و زندانی کند.

تحلیل تک‌تک گویه‌های مربوط به این بخش که

	گویه ۱	گویه ۲	گویه ۳	گویه ۴	گویه ۵	گویه ۶	کل
کاملاً مخالف	۹/۱	۱۵	۱۳/۵	۱۲/۶	۱۲/۲	۱۵/۷	۸/۹
مخالف	۲۶/۸	۲۸/۳	۲۷	۴۲/۵	۳۳/۵	۳۴	۲۶/۲
مردد	۱۳/۶	۷/۴	۱۰/۴	۷/۹	۱۰/۲	۹/۶	۳۹
موافق	۲۸/۹	۲۶/۵	۲۲/۱	۱۴/۹	۲۳/۸	۲۱/۹	۱۵/۱
کاملاً موافق	۴/۱	۷/۹	۳/۲	۴/۲	۷/۴	۵/۸	۰/۸
نمی‌دانم/ بی‌پاسخ	۱۷/۵	۴/۹	۱۳/۸	۸/۹	۱۲/۹	۱۲/۹	-
کل	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۴۱/۹۳

▲ جدول ۲. نظرات مردم درباره اقتدارگرایی (بر حسب درصد)

	گویه ۱	گویه ۲	گویه ۳	گویه ۴	گویه ۵	کل
کاملاً مخالف	۶/۹	۱۰/۱	۱۱/۴	۲۲/۳	۵/۴	۵/۷
مخالف	۱۲	۲۱/۴	۲۳/۵	۳۵/۶	۲۲	۱۷/۵
مردد	۸/۱	۱۱	۱۱/۸	۱۱	۱۳/۴	۴۰/۳
موافق	۳۵/۹	۳۶/۳	۲۸/۸	۱۳/۳	۳۴/۹	۲۸/۵
کاملاً موافق	۱۴/۹	۹/۹	۸/۵	۴/۳	۱۰/۱	۸
نمی‌دانم/ بی‌پاسخ	۱۲/۱	۱۱/۴	۱۶	۱۲/۴	۱۴/۱	-
کل	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۵۱/۲۹

▲ جدول ۳. نظرات مردم درباره تساهل‌گرایی (بر حسب درصد)

	گویه ۱	گویه ۲	گویه ۳	گویه ۴	کل
کاملاً مخالف	۱۸/۲	۱۵/۸	۲۴/۸	۲۶/۷	۲۶/۲
مخالف	۴۵	۳۹/۸	۲۸/۵	۴۲/۵	۴۷/۳
مردد	۱۰/۷	۱۳/۲	۸/۶	۱۰/۱	۱۷/۰
موافق	۱۱/۶	۱۲/۸	۱۵	۷/۹	۷/۸
کاملاً موافق	۲/۹	۳/۷	۴/۶	۲/۵	۱/۷
نمی‌دانم/ بی‌پاسخ	۱۱/۵	۱۲/۶	۸/۵	۱۰/۴	-
کل	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۳۱/۵۲

▲ جدول ۴. نظرات مردم درباره خشونت‌طلبی (بر حسب درصد)

این است که تعارضی آشکار میان تساهل سیاسی و تساهل دینی مشاهده می‌شود. پایین‌ترین میزان تساهل مداری در خصوص گویه ۴ مشاهده می‌شود و به این معناست که مردم ایران به تساهل سیاسی بیش از تساهل دینی اعتقاد دارند. میانگین نمره تساهل مداری مردم با همه این احوال، ۵۱/۲۹ است و به این معناست که حداقل نیمی از نمره تساهل مداری کسب شده است. نمره تساهل مداری سیاسی نیز بسیار بیش از این است. با این ملاحظات، شواهد موجود موید فقدان تساهل مداری در اکثریت مردم ایران نیستند و کفه داده‌ها به سمت تساهل مداری و بویژه تساهل مداری سیاسی سنگین‌تر است.

۴.۳. خشونت طلبی

میل به خشونت و حل مشکلات بدون مذاکره و تفاهم و از طریق اعمال شیوه‌های خشن، از جمله انگاره‌های فرهنگی غیردموکراتیک منتسب به ایرانیان است. برای سنجش میزان خشونت طلبی مردم، از گویه‌های زیر استفاده شده است.

۱. اگر گروهی از مردم در اعتراض به چیزی تظاهرات کنند، پلیس حق دارد با خشونت آن‌ها را سرکوب کند؛
۲. باید به دولت اختیارات بیشتری برای سرکوب و از بین بردن کسانی که با دولت موافق نیستند، داده شود؛

۳. تا زمانی که زور بالای سر مردم نباشد، راه درست نمی‌روند؛

۴. اگر کسی مشکوک به انجام جرمی باشد، پلیس حق دارد با کتک از او اعتراف بگیرد. این گویه‌ها بارزترین اشکال اعمال خشونت را که در تاریخ اصلاح طلبی همواره با آن‌ها مخالفت شده است نشان می‌دهند. میزان حمایت مردم از این گویه‌ها شاخصی از میزان خشونت طلبی آنان تلقی می‌شود. مخالفت با این گویه‌ها بیان برخی از بارزترین صور اصلاح طلبی در ایران نیز هست.

نکته اول و بارز این که نمره ۳۱/۵۲ در مقیاس ۰ تا ۱۰۰ شاخص روشنی از میزان عدم حمایت مردم از خشونت طلبی است. به عبارتی ۶۸/۴۸ نمره مخالفت با خشونت طلبی مردم است. در ضمن میزان مخالفت با ایده‌های خشونت طلبانه نیز در دو ردیف اول جدول شماره ۴ نشان داده شده است. دو انگاره مشهور ضرورت اعمال زور برای اصلاح عمل مردم (گویه ۳) و افزودن

اختیارات دولت برای سرکوب مخالفان (گویه ۲)، مخالفان کثیری داشته‌اند و همین داده‌ها شاهد آن هستند که مردم ایران شیوه‌های خشن غیردموکراتیک را مرجح نمی‌دارند.

۴. نتیجه گیری

بدون آن که قصد پیچیده کردن موضوع و ارائه روایت‌های گوناگون از اصلاح طلبی در ایران را داشته باشیم، ۶ ایده حداقلی و محوری را که گمان می‌رود بنیان‌ها یا حداقل بیان برخی از اصلی‌ترین ایده‌های اصلاح طلبی باشند، محور قرار دادیم. سپس داده‌هایی ارائه کردیم که نشان می‌دهند اکثریت مردم ایران در سال ۱۳۸۴ با این ایده‌ها موافق بوده‌اند. اکنون نیز می‌خواهیم نتیجه بگیریم که این داده‌ها شاهدهی از نفوذ ایده‌های اصلاح طلبانه در اکثریت ایرانیان هستند. بر این اساس می‌توان گفت: طرفداران ایده عدم مشارکت اصلاح طلبانه در قدرت و دنبال کردن اصلاحات از درون بدنه اجتماعی، پتانسیل انگاره‌های ایجاد شده در فرهنگ سیاسی ایرانیان برای اصلاح طلبی را اندک برآورد می‌کنند. امروز نمی‌توان به گفته‌های تاریخی درباره فرهنگ سیاسی مردم ایران دل بست. تغییرات اجتماعی جامعه ایران، بدنه جامعه را به گونه‌ای متحول کرده که مساله اصلاح طلبی در ایران از حد تلاش برای تقویت بنیان‌های اصلاح طلبی در بدنه جامعه فراتر رفته است. هر چند، چنین مدعایی به هیچ عنوان نافی تلاش برای تقویت جامعه مدنی از طریق سازوکارهای بیرون از قدرت سیاسی نیست. این وضعیت دو سوال اساسی پیش روی اصلاح طلبان باقی می‌گذارد:

۱. اگر انگاره‌های ضد اصلاح طلبی و توسعه سیاسی در بین ایرانیان اکثریت ندارد، پس علت برخی رفتارهای اقتدارگرایانه چیست؟

۲. برنامه اصلاح طلبان برای ورود به قدرت و استفاده از قدرت سیاسی برای تقویت فرهنگ سیاسی اصلاح طلبی و مهیا کردن زمینه ساختاری اصلاح طلبی چیست؟
بسیاری - در روزهایی که دهمین انتخابات ریاست جمهوری نزدیک می‌شود - بر سوال دوم تاکید می‌کنند و لزوم برنامه داشتن اصلاح طلبان برای ورود به قدرت و بهره‌گیری از آن را یادآور می‌شوند. اما سوال اول مغفول باقی مانده است. البته این سوال در درجه اول ماهیتی آکادمیک دارد و از منظر رفتارشناسی

سیاسی یا توسعه سیاسی اهمیت دارد، اما کنش سیاسی اصلاح طلبان نیز نمی‌تواند فارغ از این سوال، وارد کار شود.

شواهد مندرج در این نوشتار از سویی دیگر نشان می‌دهند که خواست اصلاح طلبی مقوله‌ای تاکتیکی نیست. چنان نیست که صرفاً به دلیل عملکردهای کوتاه مدت در عرصه سیاسی، وضعیت به گونه‌ای شود که اقبال به اصلاح طلبی تقویت گردد. با توجه به توسعه بسیاری از مقولاتی که بر انگاره‌های اصلاح طلبانه تاثیر مثبت دارند (نظیر گسترش آموزش عالی در ایران)، باید انتظار داشته باشیم که انگاره‌های اصلاح طلبی هر چه بیشتر تقویت شوند. به این ترتیب اصلاح طلبی به یک استراتژی تبدیل می‌شود و از مقوله واکنش کوتاه مدت به وضع موجود خارج خواهد شد. از همین منظر می‌توان تمایزی جدی میان اصلاح طلبی و اصلاح طلبان قائل شد. اصلاح طلبان کنشگرانی سیاسی هستند و ممکن است تحت شرایطی حرکت‌های مختلفی داشته باشند و به همین ترتیب ممکن است جامعه نسبت به آن‌ها واکنش‌های مختلفی داشته باشد. اما اقبال کم و زیاد به اصلاح طلبان را نمی‌توان مساوی افول و ظهور اقبال اصلاح طلبی تلقی کرد. به همین نسبت می‌توان تردیدهای جامعه برای قرار دادن اصلاح طلبان در جایگاه دارندگان قدرت سیاسی را تردیدهایی درباره کفایت و کارآمدی و نه تردید درباره اندیشه اصلاح طلبی تلقی کرد. شاید بر همین مبنا بتوان گفت اصلاح طلبان بیش از آن که به بیان ایده‌های خود نیازمند باشند، به بیان برنامه‌ها و توانایی‌های خود برای تحقق ایده‌هایشان نیازمند هستند.

* عضو هیات علمی دانشکده علوم انسانی دانشگاه مازندران

پانوش‌ها

۱. اگرچه صورت‌بندی ارائه شده توسط سیدمحمد خاتمی از مبانی نظری اصلاحات، نگاه تا اندازه‌ای حداقلی و میانه‌رو از اصلاح طلبی است (نگاه کنید به مقاله دیروز، امروز و فردای ایران در آینه اصلاحات به قلم سیدمحمد خاتمی که در این شماره ماهنامه آیین منتشر شده است)، اما شش-عنصر برشمرده شده برای اصلاح طلبی در متن این صورت‌بندی وجود دارد.

۲. نمونه‌گیری پیمایش فرهنگ سیاسی مردم ایران در استان‌های سیستان و بلوچستان، سمنان، زنجان، اصفهان، کردستان، خراسان، گلستان، بوشهر و تهران انجام شده است.